

تاریخ ادبی
&
تاریخ نگاری ادبی
(مجموعه مقالات)

:

گردآوری و ترجمه: دکتر مسعود فرهمندفر
ویرایش علمی: ادريس رنجی



تاریخ ادبی و تاریخ‌نگاری ادبی

مجموعه مقالات

گردآوری و ترجمه:
دکتر مسعود فرهمندفر

ویرایش علمی:
ادریس رنجی

تهران

۱۴۰۰



سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت)
پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

سرشناسه: فرهنگدفر، مسعود، ۱۳۶۵-

عنوان و نام پدید آور: تاریخ ادبی و تاریخ‌نگاری ادبی: مجموعه مقالات / گردآوری و ترجمه مسعود فرهنگدفر؛ ویراستار علمی: ادریس رنجی.

مشخصات نشر: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۴۰۰.

مشخصات ظاهری: نه، ۲۲۱ ص:، مه



فروست: «سمت»؛ ۲۴۵۴. زبان‌شناس سازمان مطالعه و تدوین (سمت)

شابک: ۴ - ۲۳۳۰ - ۰۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸ ریال ۷۰۰,۰۰۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

Literary History & Literary Historiography.

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی:

یادداشت: واژه‌نامه.

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: ادبیات - تاریخ و نقد

Literature -- History and Criticism

موضوع: ادبیات فارسی - تاریخ و نقد - نظریه

Persian Literature -- History and Criticism -- Theory, etc

شناسه افزوده: رنجی، ادریس، ویراستار علمی.

شناسه افزوده: سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت)، پژوهشکده

تحقیق و توسعه علوم انسانی.

The Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Islamic Sciences and the Humanities (SAMT), Institute for Research and Development in the Humanities.

رده‌بندی کنگره: ۱۴۰۰ PN ۵۲۳

رده‌بندی دیویی: ۸۰۹

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۸۴۱۲۸۶۴

سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی (سمت)

پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی



تاریخ ادبی و تاریخ‌نگاری ادبی (مجموعه مقالات)

گردآوری و ترجمه دکتر مسعود فرهنگدفر

بازنگری ترجمه و ویرایش علمی: ادریس رنجی

مدیر تولید محتوا: دکتر مهدی احمدی

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۰

تعداد: ۲۰۰

حروفچینی و لیتوگرافی: سمت

سازمان مطالعه و تدوین (سمت) این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشندگان و

غیر آن نیستند.

نشانی ساختمان مرکزی: تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)،

روبه‌روی پمپ گاز، کد پستی ۱۴۶۳۶۴۵۸۵۱، تلفن ۰۲-۴۴۲۴۶۲۵۰.

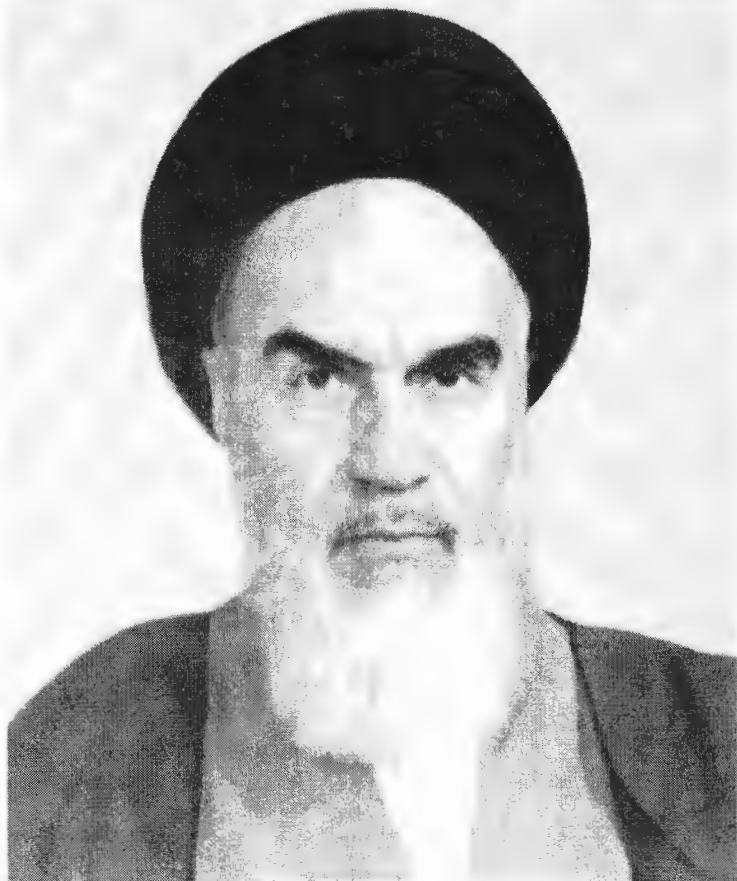
www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

@sazman_samt

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر، نشر یا بخش یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مبارزه علمی برای جوانان زنده کردن روح جستجو و کشف
واقعیت‌ها و حقیقت‌هاست.

صحیفه امام: ج ۲۱، ص ۹۶

سخن «سمت»

یکی از هدف‌های مهم انقلاب فرهنگی، ایجاد دگرگونی اساسی در دروس علوم انسانی دانشگاه‌ها بوده است و این امر مستلزم بازنگری منابع درسی موجود و تدوین منابع مبنایی و علمی معتبر و مستند با در نظر گرفتن دیدگاه اسلامی در مبنایی و مسائل این علوم است.

ستاد انقلاب فرهنگی در این زمینه گام‌هایی برداشته بود، اما اهمیت موضوع اقتضا می‌کرد که سازمانی مخصوص این کار تأسیس شود و شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۶۳/۱۲/۷ تأسیس «سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی» را، که به اختصار «سمت» نامیده می‌شود، تصویب کرد.

بنابراین، هدف سازمان این است که با استمداد از عنایت خداوند و همت و همکاری دانشمندان و استادان متعهد و دلسوز، به مطالعات و تحقیقات لازم پردازد و در رشته‌های مختلف علوم انسانی به تألیف و ترجمه منابع درسی اصلی، فرعی و جنبی اقدام کند.

دشواری چنین کاری بر دانشمندان و صاحب‌نظران پوشیده نیست و به همین جهت مرحله کمال مطلوب آن باید به تدریج و پس از انتقادهای یادآوری‌های پیاپی ارباب نظر به دست آید. انتظار دارد که این بزرگواران از این همیاری و راهنمایی دریغ نوزند و با پیشنهادهای اصلاحی خود، این سازمان را در اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

کتاب حاضر به عنوان کتابی مبنایی برای تمامی علاقه‌مندان به مباحث نظری در تاریخ‌نگاری ادبیات ترجمه شده است و دانشجویان رشته «زبان و ادبیات فارسی» و دیگر رشته‌های ادبی نیز می‌توانند در دروس مرتبط با «تاریخ ادبیات» و «نظریه ادبی»، به عنوان منبعی جنبی، از آن استفاده کنند.

فهرست مطالب

صفحه	هفت	عنوان
		در باره این مجموعه
۱		مقدمه مترجم
۴		بحث اصلی
		بخش اول: معنای تاریخ ادبی
۹		۱. تاریخ ادبیات چیست؟ (جاناتن آراک)
۱۶		۲. تاریخ ادبی و مطالعه ادبیات (یوهانس برانت کرسیوس)
۲۴		۳. معنای تاریخ ادبی (ژان استاروینسکی)
۲۴		۱. نگاه مورخ به گذشته
۲۷		۲. در باب حقایق واقعی و انتخاب آنها
		بخش دوم: مسئله نظریه و روش
۳۱		۴. نظریه تاریخ، تاریخ ادبی و تاریخ‌نگاری (گپارد روش)
۳۱		۱. مقدمه
۳۲		۲. درباره برخی مسائل اصلی در تاریخ‌نگاری ادبی
۳۶		۳. گذشته، تاریخ و تاریخ‌نگاری
۵۵		۴. تاریخ ادبی در علم برساخت‌گرای ادبیات
۵۶		منابع
۵۹		۵. برخی مسائل روش‌شناختی در تاریخ ادبی (یرژی پلتس)
۶۹		۶. ده گزاره در باب ارتباط بین نظریه تاریخ، هرمنوتیک و تاریخ‌نگاری ادبی (هارو مولر)
۸۰		منابع
۸۱		۷. سیاست‌های تاریخ‌نگاری ادبی (ویلیام اچ. ثورنتن)
۸۱		۱. متن‌گرایی در بوته آزمایش

- ۸۶ ۲. «تاریخ کلی» و دشمنان آن
- ۸۸ ۳. پیوند تازه ادبیات و تاریخ
- ۹۱ ۴. سیاست‌های رادیکالیسم «دور از واقعیت»
- ۹۲ منابع
- ۹۴ ۸. رویکرد سبک‌شناختی به تاریخ ادبی (میشل ریفاتر)
- ۹۵ ۱. نسب و وابستگی
- ۱۰۳ ۲. تاریخ خوانش‌های بعدی
- ۱۱۰ ۳. بازسازی
- ۱۱۶ ۹. درباره تاریخ‌نگاری ادبیات: نکته‌هایی از منظر برساخت‌گرایی (زیگفرید اشمیت)
- ۱۱۶ ۱. نگارش تاریخ‌های ادبی: پروژه‌ای ضروری و ناممکن؟
- ۱۱۷ ۲. در باب برخی مسائل بنیادین در نگارش تاریخ‌های ادبی
- ۱۲۷ ۳. در باب برخی مسائل تاریخ‌نگاری ادبی از منظر «مطالعه تجربی ادبیات»
- ۱۳۳ ۴. استدلال‌های همگرا در تاریخ‌نگاری ادبی
- ۱۳۵ ۵. پیشنهادهایی به تاریخ‌نگاران ادبی
- ۱۴۰ منابع
- ۱۴۲ ۱۰. تاریخ‌گرایی نوین: نگارش تاریخ ادبیات در دوران پسامدرن (آنتون کیس)
- ۱۵۵ ۱۱. تاریخ‌نگاری ادبی آمریکا در قرن بیستم (ماری‌یتا میسر)
- ۱۷۳ منابع
- بخش سوم: چشم‌انداز تاریخ (نگاری) ادبی
- ۱۷۶ ۱۲. آیا باید به نگارش تاریخ ادبیات ادامه دهیم؟ (هانس اولریش گومبرشت)
- ۱۹۱ ۱۳. چرخش فضایی در تاریخ‌نگاری ادبی (فرناندو کابو آسه‌گینولازا)
- ۲۰۶ منابع
- ۲۰۷ ۱۴. آینده تاریخ ادبی: سه چالش در قرن بیست‌ویکم (گالین تیهانف)
- ۲۰۸ ۱. دولت-ملت
- ۲۱۱ ۲. رسانه‌ها
- ۲۱۲ ۳. جمعیت‌شناسی
- ۲۱۴ منابع
- ۲۱۶ واژه‌نامه

درباره این مجموعه

تاریخ‌نگاری ادبیات، در دو قرن گذشته، خصوصاً با پیدایش و گسترش نظریه‌های ادبی، موضوع تأملات و بازاندیشی‌های جدی واقع شد و بحث‌های عمیق و بنیادینی در باب ماهیت و روش آن در محافل ادبی جهان در گرفت. تاریخ‌پژوهی ادب فارسی نیز، از آغاز سده بیستم میلادی، به لطف تلاش‌های برخی مستشرقان یا محققان ایرانی پیشرو، از سطح تذکره‌نویسی و وقایع‌نگاری‌های پیشین گامی فراتر رفت، و نمونه‌هایی ابتدایی از «تاریخ ادبیات»، به معنای جدید آن، برای زبان فارسی به نگارش درآمد. اما بحث‌های نظری و روش‌شناختی در باب تاریخ‌نگاری ادبی، تا چند دهه پیش، همچنان در مجامع علمی و دانشگاهی مرتبط با ادبیات فارسی مغفول مانده بود و اهتمام و عنایتی بایسته به این گونه مباحث صورت نمی‌گرفت.

در سال‌های نخست دهه هشتاد شمسی، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت» (که اکنون با عنوان «پژوهشکده» به فعالیت خود ادامه می‌دهد)، به منظور ترویج و توسعه بحث‌های نظری مربوط به این حوزه در کشور، اقدام به برگزاری همایشی کرد که حاصل آن در کتابی با عنوان *درباره تاریخ ادبیات* به چاپ رسید. هم‌زمان با طرح این موضوع از سوی «سمت»، و یا اندکی پس از آن، توجه شماری از استادان و محققان ادبی در دانشگاه‌ها و دیگر مؤسسات پژوهشی کشور نیز به این موضوع معطوف گردید و مقالات و کتاب‌های جدیدی بر آثار فارسی این حوزه افزوده شد؛ و البته طی دو دهه اخیر، افزون بر اقبال فارسی‌پژوهان به بحث‌های نظری تاریخ‌نگاری ادبی، نمونه‌هایی نیز از کاربست عملی آن مباحث در بازنویسی تاریخ ادبیات ایران، در قالب تکنگراری‌های روشمند و با تمرکز بر برهه‌های تاریخی خاص یا موضوعات ادبی محدود، عرضه گردیده که کارایی عینی و فایده عملی آن مباحث نظری را به خوبی نشان می‌دهد و بر ضرورت تداوم این گونه مباحث صحنه می‌گذارد.

در سال ۱۳۹۴، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی «سمت» در صدد برآمد تا با تشکیل کارگروهی تخصصی برای «بازاندیشی تاریخ‌نگاری ادبیات فارسی»، مسیری را که پیش‌تر آغاز کرده بود پی بگیرد و در قالب طرحی جامع‌نگرانه، در گام اول، تصویری روشنگر و فراگیر

از پیشینه تأملات نظری و رویکردهای مطرح امروزی در تاریخ‌پژوهی ادبیات به دست دهد و سپس، در گام بعد، برای بومی‌سازی آن رویکردها و روش‌ها، بر اساس اقتضائات تاریخ ادبیات فارسی، اقدام کند. برای تحقق گام نخست، این کارگروه بر پنج سنت ادبی انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، روسی و عربی، که به‌نظر می‌رسید غنا و پیشرفت بیشتری در تاریخ‌پژوهی ادبیات داشته‌اند، متمرکز گردید، و مقرر شد که پس از مرور و بررسی دستاوردهای این سنت‌ها، حاصل مطالعات در قالب مجموعه‌ای با عنوان «نظریه و روش در تاریخ‌نگاری ادبیات» عرضه گردد، و پس از آن، در دومین گام، کوشش شود که از رهگذر برگزاری هم‌اندیشی‌های تخصصی محدود و ایجاد تضارب آراء میان متخصصان ادبیات فارسی و ادبیات دیگر زبان‌ها، زمینه دستیابی به انگاره‌هایی مناسب برای بازنویسی تاریخ ادبیات فارسی فراهم آید.

کتاب حاضر که نخستین مجلد از مجموعه «نظریه و روش در تاریخ‌نگاری ادبیات» است مجموعه‌مقالاتی است که از آثار انگلیسی‌زبان انتخاب و ترجمه شده، و بنا بر برنامه‌ریزی نخست، می‌بایست تنها به بازنمایی سنت ادبی-فلسفی جامعه انگلیسی اختصاص یابد؛ اما چنان‌که ملاحظه می‌گردد، موضوع یا محتوای برخی از این مقالات تبیین رویکردهایی است که خاستگاهی بیرون از فرهنگ فکری انگلیسی داشته‌اند، و یا موردپژوهی‌های برخی دیگر از این مقالات برگرفته از ادبیات غیرانگلیسی است. این انحصارگریزی و محدودنشدن به سنت ادبی-فلسفی انگلیسی، لاقلاً در مجلد اول از این مجموعه، قدری اجتناب‌ناپذیر می‌نمود و تفصیل دلایل آن البته از حوصله این مقال خارج است. این قدر می‌توان گفت که جهانی‌شدن شماری از رویکردها، و درهم‌تنیدگی و پیوستگی مسائلی نظری این حوزه، و نگاه فراگیر و فرامرزی بسیاری از مؤلفان، و ضرورت به‌دست‌دادن تصویری از زوایای گوناگون موضوع، از علل چنین گزینش و چیدمانی بوده است.

روی آوردن به گردآوری مقالات انگلیسی‌بدان سبب بوده است که در جستجوهای اولیه، تک‌نگاری منسجم و جامعی به زبان انگلیسی در این موضوع، آن‌گونه که اهداف مد نظر کارگروه «سمت» را برآورده سازد، به دست نیامد و ناگزیر، تدارک مجموعه‌ای این‌چنین در دستور کار قرار گرفت و انجام این مهم را آقای دکتر مسعود فرهمندفر بر عهده گرفتند. در این راستا، ابتدا، متن کامل شماری از مقالات تخصصی مربوط، از جانب نگارنده این سطور، جهت بررسی و ارزیابی دقیق‌تر، به ایشان سپرده شد، که از آن میان، نهایتاً شش مقاله انتخاب گردید (مقالات شماره ۱، ۴، ۶، ۷، ۹، ۱۳ در کتاب حاضر)، و سپس، از ایشان خواسته شد که برای تکمیل کار، به جستجوها و رایزنی‌ها با صاحب‌نظران این حوزه ادامه دهند، که سرانجام

از رهگذر این جستارها و به شرحی که خود در مقدمه مترجم آورده‌اند، ۸ مقاله دیگر فراهم آمد و به مجموعه نخست اضافه گردید.

گفتنی است مرور منابع نظری انگلیسی‌زبان در باب تاریخ‌نگاری ادبیات به مجلد حاضر منحصر و مختوم نخواهد شد و آثار مرتبط دیگری از این زبان در دست انتخاب و ترجمه است. فهرست جامع و روزآمدی از این مجموعه آثار «سمت»، برای اطلاع خوانندگان علاقه‌مند، در انتهای هر مجلد خواهد آمد.

در پایان، بایسته است کوشش‌های گردآورنده محترم مقالات، آقای دکتر مسعود فرهمندفر، را ارج نهیم و نیز دقت نظر و تلاش فراوان ویراستار این مجلد، آقای ادیس رنجی، را سپاسی ویژه بگزاریم که ترجمه کتاب را سطر به سطر با متن اصلی تطبیق داده، بسیاری کاستی‌ها و افتادگی‌ها را ترمیم و اصلاح کردند و بر دقت و درستی ترجمه افزودند.

مهدی احمدی

مدیر تولید محتوای مجموعه

آذرماه ۱۴۰۰

مقدمه مترجم

معمولاً در مطالعات تاریخ ادبی - خواه بر آثار نویسنده یا ژانری خاص تمرکز شود یا بر ژانرها یا آثار نویسندگان مختلف - ادبیات در بافت تاریخی و اجتماعی (دوران تولید و پذیرش) آن سنجیده می‌شود؛ فرضیه‌هایی ارائه می‌شود، روایت‌هایی ساخته می‌شود، و در کل سعی می‌شود جریان‌های فکری و سبکی-زبانی مؤثر بر بازنمایی‌های ادبی مشخص و واکاوی شود. زیرا امروزه «ادبیات» بیشتر در مفهوم «نهادی اجتماعی» معنا می‌یابد تا پدیده‌ای صرفاً زیباشناختی.

کمتر دانشجوی یا پژوهشگر ادبی‌ای را می‌توان یافت که «تاریخ ادبیات» نخوانده باشد؛ برای ورود به قلمرو ادبیات باید «سواد تاریخی» هم داشت، باید از ارزش میراث ادبی گذشته (برای مطالعات کنونی و آتی) آگاه بود. این سواد تاریخی بر توان تحلیلی دانشجو/پژوهشگر خواهد افزود و گستره دید او را وسیع‌تر خواهد کرد. در واقع ورود به بحث‌های نظری و انتقادی پیچیده در حوزه ادبیات مستلزم عبور از دروازه «تاریخ ادبی» است.

دیوید پرکینز، استاد ادبیات انگلیسی دانشگاه هاروارد، در مقدمه کتاب *آیا تاریخ ادبی امکان‌پذیر است*^۱ (۱۹۹۲) می‌نویسد، توجه به تاریخ (نگاری) ادبی به شیوه مدرن محصول رماتیسیسم آلمانی (و ایده‌های فردریش اشلگل در رساله معروف *گفتارهایی در باب تاریخ ادبیات*)^۲

1. David Perkins. *Is Literary History Possible?* (Baltimore: Johns Hopkins UP, 1992).

2. Friedrich Schlegel, *Lectures on the History of Literature* (1812).

خطابه‌های فردریش اشلگل در وین، که با عنوان *تاریخ ادبیات قدیم و جدید* در سال ۱۸۱۲، ایراد شد آشکارا موضع تازه اشلگل را، که موضعی کاتولیک، محافظه کار و ملی‌گرا بود، نشان می‌دهد. رویداد تاریخی تعیین‌کننده‌ای که خطابه‌های فردریش اشلگل را تحت تأثیر قرار داد جنگ علیه ناپلئون بود که در ۱۸۱۲ به نقطه عطف خود رسید. هدف اشلگل این بود که نشان دهد «فرهنگ معنوی یک ملت تا چه اندازه می‌تواند مداخله‌ای تعیین‌کننده داشته باشد، حتی در رویدادهای بزرگ جهانی و سرنوشت ملت‌ها». اشلگل ادبیات را نه صرفاً سرگرمی یا رونوشتی از «جهان واقع»، که قدرتی سیاسی می‌دانست. مقدمه اشلگل و خطابه نخست او وظیفه را مشخص‌تر کرد. او می‌خواست رهبران سیاسی را مجاب کند که ادبیات اساس زندگی فکری یک ملت است، گرچه تصدیق می‌کرد که عالمان و نویسندگان از قدیم، دور از طبقات اجتماعی بالا و نیز بقیه ملت بوده‌اند. دسته‌بندی‌های درون فرهنگ هنری-روشنفکری، و جدایی آن از مردم، بزرگ‌ترین موانع پیشرفت فرهنگ کلی ملت بودند، اما به باور اشلگل، قرن هجدهم در آلمان و دیگر کشورهای اروپایی با نوعی احیای «روح ملی» همراه بوده است. این در عمل برای او بدین معناست که ادبیات باید در خدمت دولت باشد، و به طور دقیق‌تر، گذشته ملی را تکریم کند.

در ابتدای سده نوزدهم است، گرچه مفهوم تاریخ ادبی شاید بسیار قدیم‌تر باشد. از آن زمان به بعد، تاریخ‌نگاری ادبی وجه‌های غالب گوناگونی به خود دیده است: هِگلی، پوزیتیویستی، مارکسیستی، فرمالیستی، تاریخ‌گرایی نوین و جز آن. سده نوزدهم روزگار خوش تاریخ‌نگاری (ادبی بود: هر گونه تغییر و رویدادی در ادبیات جزوی از «سیر تکاملی تاریخ» انگاشته می‌شد، و این امید به غایت‌مندی و روند تکاملی جایی برای تشویش باقی نمی‌گذاشت. تاریخ‌نگاری ادبی در آن دوران بیشتر تذکره‌نویسی بود و دارای تسلسل تاریخی. در دهه‌های دوم و سوم سده بیستم و در پی رواج یافتن ایده‌های فرمالیست‌های روسی، تاریخ ادبی کم‌کم به حاشیه رفت زیرا آنان معتقد بودند «تغییرات ادبی را نمی‌توان و نباید بر مبنای رویدادهای بیرونی تشریح کرد».^۱ توجه بیش‌ازحد فرمالیست‌ها و سپس پیروان «نقد نو» به فرم و نادیده گرفتن بافت و سیاق متن موجب تضعیف جایگاه و نقش تاریخ ادبی شد، در حالی که این «تاریخ ادبی است که داده‌های مورد نیاز نظریه ادبی را فراهم می‌کند».^۲ پس از جنگ جهانی دوم، نیاز به بازنگری در مباحث مربوط به تاریخ‌نگاری ادبی احساس می‌شد و متفکران این حوزه را به بازاندیشی رویکردهای سنتی واداشت.

دوران پساجنگ و به‌ویژه سال‌های ۱۹۶۰ شاهد نوعی «چرخش پارادایم»^۳ در نگرش به تاریخ بود؛ تاریخ دیگر لوحی مکتوب از رویدادهای گذشته (آن‌چنان که رخ داده‌اند) نبود. اکنون تاریخ صرفاً یکی از نظام‌های نشانه‌ای به حساب می‌آمد. نتیجه این چرخش پارادایم غیاب عینیت، تکثر معنا و برجسته‌شدن نقش زبان در فرایند معناسازی بود. فرم‌های ادبی بدعت‌گذارانه‌ای که پس از ظهور نظریه‌های پسا مدرنیستی چهره نشان دادند به قلمرو رمان تاریخی نیز راه یافتند و نویسندگان این آثار متأثر از آرای متفکرانی همچون میشل فوکو^۴ و هیدن وایت^۵ و رولان بارت^۶ و بعدها

1. Perkins, 1992: p. 8.

2. Johannes Christiaan Brandt Corstius, "Literary History and the Study of Literature," *New Literary History* 2, 1 (1970): 69.

3. Paradigm Shift

مفهوم «چرخش پارادایم» را تامس کوهن در کتاب *ساختار انقلاب‌های علمی* (۱۹۶۲) مطرح کرد. پارادایم به معنای چارچوب باورها و پیش‌فرض‌ها و روشی برای کسب دانش است. هرازچندی، کشفیات نو (که در قالب باورها و نظریه‌های پیشین نمی‌گنجند) موجب چرخش پارادایم می‌شوند. این فرایند پویاست و سبب‌ساز پیشرفت و تکامل علم و اندیشه بشر.

4. Michel Foucault (1926-1984)

5. Hayden White (1928-)

6. Roland Barthes (1915-1980)

بارت معتقد بود چیزی به‌نام روایت قطعی از واقعیت تاریخی وجود ندارد و آنچه هست فقط «اثر واقع‌نامه» (realistic effect) است.

دومینیک لاکاپرا^۱ و آلن مانسلو^۲ در غایت مندی تاریخ تردید روا دانستند و مدعی شدند تاریخ را نباید معادل «گذشته» دانست؛ تاریخ صرفاً بازنمایی برخی رویدادهای گذشته است. لارنس استون در مقاله معروف «احیای روایت»^۳ (۱۹۷۹) این نوع تاریخ را «تاریخ روایی» نامیده و آن را از «تاریخ پوزیتیویستی» جدا کرده است.

این گذار سبب شد توجه به حوزه اندیشه اجتماعی بیشتر شود. ویلیام ثورنتن در مقاله «سیاست‌های تاریخ‌نگاری ادبی»، برخلاف برخی نظریه پردازان همچون دیوید سیمپسن^۴ که پسامدرنیسم را «فاقد هر گونه جنبه تاریخی» می‌دانستند، می‌گوید پسامدرنیسم می‌کوشد دوباره امر سیاسی، اجتماعی و تاریخی را در بررسی و خوانش متن‌ها وارد سازد.^۵ جی. هیلیس میلر در جستاری ارزشمند با عنوان «کارکرد نظریه ادبی در زمانه حاضر» می‌نویسد که دوران پرداختن به فرم گذشته است، «ما اکنون می‌توانیم با خاطری آسوده بازگردیم به وظیفه انسانی‌تر نوشتن درباره قدرت، تاریخ، ایدئولوژی، ... و زندگی واقعی زنان و مردان در جامعه، درست به همان شکلی که آن‌ها در عالم واقع وجود دارند و در ادبیات منعکس شده‌اند».^۶ در نتیجه، در نظریه ادبی، رویکردهایی همچون «مطالعات فرهنگی»، «مطالعات جنسیت»، «تاریخ‌گرایی نوین» و نظریه «پسااستعماری» مطرح شدند که هر یک به نوعی توجه به بافت و زمینه (تاریخی-اجتماعی-سیاسی-فرهنگی) متون را می‌طلبیدند.^۷

به هر روی، تحت تأثیر این چرخش پارادایم در تاریخ‌گرایی، دوباره تاریخ‌نگاری ادبی در کانون توجه قرار گرفت و موضوع پژوهش‌های نظری و انتقادی واقع شد. ناقدان و اندیشه‌وران بزرگی به بررسی این موضوع علاقه نشان دادند، از جمله رنه ولک («شش نوع تاریخ ادبی»)^۸

1. Dominick LaCapra (1939-)
2. Alun Munslow (1947-)
3. Lawrence Stone, "The Revival of Narrative: Reflections on a New Old History," *Past and Present* 85, 1 (1979): 3-24.
4. David Simpson, "Going on About the War without Mentioning the War: The Other Histories of the Paul de Man Affair," *Critical Inquiry* 31, 4 (1989): 58-68.
5. William H. Thornton, "The politics of Literary Historiography," *Journal of Literary Studies* 10, 3-4 (1994): 427.
6. J. Hillis Miller, "The Function of Literary Theory at the Present Time," in *The Future of Literary Theory*, ed. Ralph Cohen (New York & London: Routledge, 1989, p. 103).
7. ثورنتن می‌گوید، «پس از این چرخش پسامدرن، دلالت [signification] جایگزین واقع‌گرایی ساده‌اندیشانه بازتولید تاریخی [historical reproduction] شد». در نتیجه، «گذشته به‌منزله برساخته‌ای [construct]-اجتماعی در نظر گرفته شد» (همان: ۴۲۹). وی خاستگاه این چرخش پارادایم را در سال‌های ۱۹۶۰ جست‌وجو می‌کند.
8. Rene Wellek, "Six Types of Literary History," *English Institute Essays for 1946* (New York: Columbia UP, 1947).

آر. اس. کرین («اصول تاریخی و انتقادی تاریخ ادبی»، ۱۹۶۷)،^۱ جفری گالت هارتمن («به سوی تاریخ ادبی»، ۱۹۷۰)،^۲ هانس روبرت یاوس («تاریخ ادبی به منزله چالشی برای نظریه ادبی»، ۱۹۷۰)،^۳ روبرت وایمان («ساختار و اجتماع در تاریخ ادبی»، ۱۹۷۶)،^۴ دیوید پرکینز (مسائل نظری در تاریخ ادبی، ۱۹۹۱؛^۵ آیا تاریخ ادبی امکان پذیر است؟، ۱۹۹۲)، لیندا هاجن و ماریو جی. والدیس (بازاندیشی تاریخ ادبی: گفت و گویی درباره نظریه، ۲۰۰۲).^۶ به قول ویراستاران *جنگ ادبی نورتن* (ویراست هشتم، ۲۰۰۶)، «[این] دستاوردهای پژوهشی تازه موجب تغییر ذائقه مخاطب و تحول در چشم‌انداز تاریخ ادبی» شده است.^۷

بحث اصلی

سنت تذکره‌نویسی در ایران قوی بوده است ولی تاریخ‌نویسی ادبیات، از منظری انتقادی و به‌شکلی روش‌مند، چندان پیشینه‌دار نیست؛ بنابراین، وقتی چارچوب نظری-انتقادی مدونی در زمینه تاریخ‌نگاری ادبیات فارسی وجود ندارد، قدم نخست می‌تواند این باشد که از تجارب کشورهای پیشرفته‌تر در این زمینه بهره ببریم.

طرح اولیه پژوهش حاضر در سال ۱۳۹۴ و از سوی آقای دکتر مهدی احمدی در سازمان «سمت» مطرح شد. با تشکیل کارگروه «بازاندیشی تاریخ‌نگاری ادبیات فارسی» در سازمان «سمت» - که هدفش، در وهله نخست، کسب آگاهی از تجارب علمی سایر ملل و فرهنگ‌ها، و مرور نظریه‌ها، رویکردها و روش‌های مطرح بین‌المللی در این حوزه بود - به فعالیت‌های پژوهشی محققان جهت داده شد. کتاب حاضر نیز فقط یکی از مجموعه طرح‌های تحقیقی سازمان «سمت» در این زمینه است.

برای گزینش مقالات طرح پیشنهادی از دو راه استفاده شد: تماس و مکاتبه با

1. R. S. Crane, "Critical and Historical Principles of Literary History," *The Idea of the Humanities*, vol. 2 (Chicago: U of Chicago P, 1967).
2. Geoffrey Galt Hartman, "Toward Literary History," *Beyond Formalism* (New Haven: Yale UP, 1970).
3. Hans Robert Jauss, "Literary History as a Challenge to Literary Theory," *New Literary History* 2 (Autumn 1970): 7-37.
4. Robert Weimann, *Structure and Society in Literary History* (Charlottesville: U of Virginia P, 1976).
5. David Perkins, *Theoretical Issues in Literary History* (Massachusetts: Harvard UP, 1991).
6. Linda Hutcheon and Mario J. Valdes, *Rethinking Literary History: A Dialogue on Theory* (Oxford: Oxford UP, 2002).
7. Greenblatt, Stephen (ed.), *The Norton Anthology of English Literature*, 8th ed., vol. 1 (New York: W. W. Norton & Company, 2006, p. xxxiv).

دانشمندان صاحب‌نام این حوزه در نقاط مختلف جهان و بهره‌مند شدن از آراء و پیشنهادهای آنان؛ بررسی معتبرترین مجلات علمی در این حوزه و به‌گزین کردن جستارها. در مورد نخست، با استادان نامی زیر مکاتبه شد:

- پروفیسور هانس اولریش گومبرشت^۱ (از دانشگاه استنفورد، امریکا)
- پروفیسور جان‌اتن آراک^۲ (از دانشگاه پیتزبرگ، امریکا)
- دکتر هیوبرت رولند^۳ (از دانشگاه دُو لوون، بلژیک)
- دکتر ماری‌یتا مسمر^۴ (از دانشگاه خرونینگن، هلند)
- دکتر گالین تیهانف^۵ (از دانشگاه کوپن مری، انگلستان)

در اروپا (به‌ویژه در سال‌های ۱۹۸۰) تلاش‌های گسترده‌ای شد تا چارچوب‌های نظری و انتقادی تازه‌ای در زمینه تاریخ (نگاری) ادبی ارائه شود. نمونه‌های شاخصی از این تلاش‌ها را می‌توان در مجله‌های علمی تخصصی زیر یافت:

- *New Literary History* (Johns Hopkins University Press)
- *Poetics* (Elsevier)
- *Literature & History* (Manchester University Press)
- *Clio: A Journal of Literature, History, and the Philosophy of History* (Indiana University)
- *Rethinking History* (Taylor & Francis)

با تحلیل آماری مقاله‌های این مجله‌ها می‌توان دریافت که چه رویکردهایی، در چه دوره‌هایی، غالب بوده‌اند. آنچه به‌طور کلی دیده می‌شود نوعی «چرخش پارادایم» در نظریه تاریخ‌نگاری ادبی، به‌سمت برساخت‌گرایی روایی^۶ (ایده‌هیدن وایت) و تاریخ‌گرایی نوین^۷ است (برای نمونه، پروفیسور آراک مجموعه‌ی هشت‌جلدی *تاریخ ادبیات امریکای کیمبرج*^۸ [۱۹۹۴-۲۰۰۵] را معرفی کردند که به‌گفته‌ی ایشان، که یکی از نویسندگان آن هستند، بر مبنای اصول تاریخ‌گرایی نوین نوشته شده است).

در روند گزینش مقالات، با استادان یادشده در تماس بودیم و فهرست جستارها به ملاحظه‌ی ایشان رسید. به هر روی، باید ابتدا زمینه و چارچوب نظری-انتقادی (از طریق ترجمه) مشخص شود تا بتوان بعدها، بر مبنای این ایده‌ها، تاریخ ادبی تازه‌ای نگاشت. در حقیقت،

-
1. Hans Ulrich Gumbrecht
 2. Jonathan Arac
 3. Hubert Roland
 4. Marietta Messmer
 5. Galin Tihanov
 6. Narrative Constructivism
 7. New Historicism
 8. *The Cambridge History of American Literature*

هدف طرح پیشنهادی حاضر هموار کردن مسیر نظری و انتقادی برای پژوهش‌های بیشتر در حوزه تاریخ ادبی است.

چهارده مقاله برای مجموعه حاضر گزینش شده و در سه بخش کلی سامان گرفته است. بخش نخست به تبیین «معنای تاریخ ادبی» اختصاص یافته و مشتمل بر سه مقاله از آراک، کرستیوس و استاروینسکی است.

جاناتن آراک در مقاله‌اش به خوبی ماهیت و کارکرد تاریخ ادبیات را تشریح کرده، یادآوری می‌کند در مقوله تاریخ‌نگاری ادبی نباید به دنبال ایده‌های آرمانی از واقعیت‌ها بود زیرا تاریخ‌نگار نمی‌تواند به‌طور کامل به رویدادهای گذشته دسترسی یابد.

یوهانس کرستیوس مقاله‌اش را با اظهار تأسف از کم‌توجهی به مطالعات تاریخی آغاز می‌کند و می‌گوید «نمی‌توان تاریخ را نادیده گرفت زیرا نمی‌توان بشر را نادیده گرفت». وی معتقد است توجه بیش‌ازحد به مفاهیم نظری در دهه‌های اخیر موجب کم‌رنگ شدن نقش تاریخ ادبی شده است درحالی‌که تاریخ ادبی زیربنای ادب پژوهی است.

ژان استاروینسکی معتقد است تاریخ‌نگار نباید خود را تماماً غرق در گذشته کند بلکه باید بکوشد میان گذشته و حال گفت‌وگویی برقرار سازد، زیرا معیارهایی که او برای مطالعه گذشته به کار می‌برد مأخوذ از «اینجا و اکنون» است. پس او باید به خوبی زمانه و اجتماع خویش را بشناسد. در ضمن، نویسنده می‌گوید تاریخ ادبی را باید مفهومی نسبی دانست زیرا تاریخ‌نگاری ادبی نیز فرایندهایی همچون «گزینش» و «ساماندهی» مطالب دارد که به‌طور مطلق عینی نیستند.

در بخش دوم کتاب، مسئله نظریه و روش در تاریخ‌نگاری ادبی به بحث گذاشته شده و مجموعاً هشت مقاله از روش، پلتس، مولر، ثورنتن، ریفاتر، اشمیت، کیس و میسر در آن جای گرفته است.

گپهارد روش در جستارsh به رواج نگره «برساخت‌گرایی» در تاریخ‌نگاری ادبی اشاره می‌کند و می‌گوید «گذشته، برساخته‌ای فکری است». رویکرد برساخت‌گرایی^۱ در تقابل آشکار با نگاه سنتی ذات‌انگاری^۲ قرار می‌گیرد. در این رویکرد، تاریخ و مؤلفه‌های تاریخی به منزله واقعیت^۳ نیستند بلکه صرفاً رویداد^۴ به‌شمار می‌آیند؛ رویدادی که در شرایطی خاص رخ داده و در بستری روایی^۵ ثبت و ضبط شده است. در نتیجه، نظرگاه خاص راوی و گفتمان

1. constructivism
2. essentialism
3. fact
4. event
5. narrative

خاص زمانه در شکل دادن به آن تأثیر گذارند.

یرژی پلتس در مقاله‌اش ابتدا مقصود خود از «روش‌شناسی» و «تاریخ ادبی» را مشخص می‌سازد، و پس از برشمردن مشکلات موجود - از جمله مفاهیم نظری، نحوه گزینش آثار معیار، مشخص نبودن حد و مرز «تاریخ ادبی» - به بررسی هر یک می‌پردازد.

هارو مولر در مقاله جدلی‌اش پرسش‌هایی را درباره الگوهای موجود در تاریخ‌نگاری ادبی مطرح می‌کند. مولر غالباً از موضع پساساخت‌گرایی دیگران را نقد کرده است، و موضعی که پیش می‌نهد تأمل‌پذیرند.

ویلیام ثورنتن با اشاره به نقش سازنده «تاریخ‌گرایی نوین» و نیز «رتوریک [بلاغت]»، از تاریخ‌نگاری ادبی به مثابه ژانری جدی، مستقل و حوزه‌ای انتقادی نام می‌برد. وی اهمیت متن را در پیوند با سیاق اجتماعی-سیاسی-فرهنگی آن می‌بیند.

میشل ریفاتر بر این باور است که با بررسی روابط درونی مؤلفه‌های سازنده متن می‌توان «سبک» خاص آن را معین کرد. به زعم ریفاتر، تحلیل سبکی را می‌توان در سه حوزه از تاریخ ادبی به کار گرفت: ارزیابی تأثیرات ادبی و رابطه متن با جریان‌های ادبی و ژانرها؛ معانی متفاوت متن نزد نسل‌های متفاوتی از خوانندگان؛ معنای اصلی و اولیه متن.

زیگفرید اشمیت، پس از اشاره به مشکلات تاریخ‌نگاری ادبیات، چند پیشنهاد ارائه می‌دهد: اینکه تاریخ ادبی را باید به منزله تاریخ نظام‌ها یا سیستم‌های ادبی در نظر گرفت، و اینکه تاریخ ادبیات باید کاربردپذیر باشد. وی سپس تاریخ‌نگاری ادبی را از منظر برساخت‌گرایی موضوع بررسی خویش قرار می‌دهد.

آنتون کیس ابتدا به تمایز تاریخ‌گرایی نوین از مفهوم پوزیتیویستی تاریخ‌گرایی قرن نوزدهمی اشاره می‌کند و این «چرخش تاریخی» نوین را «واکنشی به نارضایی فزاینده از پساساخت‌گرایی و واسازی و توجه بیش از حد آن‌ها به فرم می‌داند». تاریخ‌گرایی نوین بر «متن‌مندی تاریخ و تاریخ‌مندی متن» تکیه دارد و از این دریچه به نگارش تاریخ ادبی چشم می‌دوزد.

ماری یتا مسمر، پس از بررسی چند نمونه تاریخ ادبیات امریکا، الگوی غالب را در تاریخ‌نگاری ادبی امریکا مشخص می‌سازد. وی همچنین به تغییرات عمده در سیاست‌های تاریخ‌نگاری ادبی اشاره می‌کند، که یکی از مهم‌ترین موارد آن توجه به «چندگونگی فرهنگی» است.

در بخش پایانی یا بخش سوم کتاب، چشم‌انداز آینده تاریخ‌نگاری ادبی، با مقالاتی از گومبرشت، آسه گینولازا و تیهانف، بررسی شده است.

هانس اولریش گومبرشت با توصیف پس‌زمینه «تاریخ ادبی» در سده نوزدهم آغاز و از سال‌های پایانی این سده با عنوان «عصر طلایی» تاریخ ادبی یاد می‌کند. سپس نویسنده، با مروری تاریخی بر این حوزه از دانش بشری، به واکاوی وضع کنونی آن می‌پردازد. به زعم فرناندو کابو آسه‌گینولازا، توجه به جغرافیای مکانی و نحوه بازنمایی مکان باید یکی از محورهای بررسی آثار در تاریخ ادبی باشد. وی معتقد است تاریخ‌نگاری ادبی باید بر مفهوم «مکان‌مندی» تکیه کند زیرا نمی‌توان تاریخ‌نگاری را جدا از مفاهیم جغرافیایی و مکانی در نظر گرفت. بنیان نظری ایده نویسنده بر آرای آنری لوفور و ریموند ویلیامز و پی‌یر بُوردیو استوار است.

سرانجام، گالین تیهانف در مقاله‌اش از «بحران روش‌شناختی» در تاریخ‌نگاری ادبی سخن می‌گوید، بحرانی که به گفته مؤلف سال‌ها به آن بی‌توجهی شد تا اینکه در دهه ۱۹۸۰ چهره نشان داد و نظریه‌پردازان را به واکنش واداشت. سنت تاریخ‌نگاری تک‌مؤلفی از میان رفت و نگارش تاریخ ادبی مسئولیت گروهی از کارشناسان خبره در حوزه‌های مختلف شد. وی سپس یادآور می‌شود که رشد و توسعه تاریخ ادبی در گرو رشد و تکامل سه عامل است: جامعه که ترکیب فرهنگی آن، به دلایل مختلف از جمله مهاجرت، دستخوش تغییر می‌شود رسانه‌ها و دولت ملی.

مسعود فرهمندفر

تاریخ ادبیات چیست؟^۱

جان‌تن آراک (دانشگاه پیتزبرگ)

تاریخ ادبیات بخشی از «تاریخ» (به معنای واقعی کلمه) است و بنابراین با دو ویژگی مهم تعریف می‌شود. نخست ابطال‌پذیری ارجاعی^۲ است. برخلاف آثار دیگر، تاریخ را نمی‌توان منحصرأ بر مبنای پیوستگی‌های داخلی ناشی از منطق، روش یا لحن داوری کرد. ما مجازیم مطالبی را که به لحاظ متنی در تاریخ موجودند به مطالبی که به لحاظ متنی در آن غایب‌اند ربط دهیم و [از این رو] معیارهای صحت (پرسش‌برانگیزی) برای بحث در خصوص این روابط وجود دارد. ویژگی دوم دوگانگی بنیادین صورت‌بندی‌های برخی افراد است، مثلاً آدام فرگوسن^۳ (تاریخ نتیجه‌کنش‌های بشر است، نه نتیجه انتخاب او)، یا کارل مارکس^۴ (انسان‌ها تاریخ خود را می‌سازند، اما نه تحت شرایطی که خودشان انتخاب کرده‌اند). این دوگانگی موجب ایجاد تقابلهایی همچون کنش‌گری/وابستگی به شرایط، سوژه/ساختار، و انسان‌ها/نهادهای می‌شود. این ویژگی‌های اولیه دوگانگی بنیادین دیگری را هم آشکار ساخته‌اند؛ تاریخ ادبیات توأمأ شامل تاریخ‌نگاری («سوژه») و تاریخیت («أبژه») است.

تاریخ ادبیات نیز همانند تاریخ‌نگاری کنشی است در زمان حال؛ کنشی که مخاطبان و پیشینانش در تعیینش، یعنی (چنان‌که ریموند ویلیامز^۵ استدلال کرده است) در اعمال فشار و محدودیت بر آن، سهیم‌اند. آثار پیشین مخاطبان را آماده کرده‌اند که با انتظاراتی مشخص به پیشواز هر اثر جدید بروند و همچنین عرف‌ها و سنت‌های کاری مشخصی در اختیار تاریخ‌نگار قرار داده‌اند.

1. Jonathan Arac, "What Is the History of Literature," *Modern Language Quarterly* 54, 1 (1993): 105-110.
2. "referential falsifiability"
3. Adam Ferguson
4. Karl Marx
5. Raymond Williams

برای مثال، تاریخ جدید ادبیات فرانسه^۱ (۱۹۸۹) که دانشگاه هاروارد آن را منتشر کرده است، وجود یک سنت ریشه‌دار تاریخ ادبی فرانسوی را پیش‌فرض گرفته است که بستری تلویحی برای فهم این اقدام جدید، از طریق تفاوت‌هایش، فراهم می‌کند. مواد تاریخ‌نگاری ادبیات نیز نقشی تعیین‌کننده دارند. بیشتر نارضایی‌های دیرپا از تاریخ‌های ادبی سنتی، پوزیتیویستی و فیلولوژیک ناشی از ناتوانی عملی آن‌ها در خوانش موادی است که نام می‌برند و ردیف می‌کنند، زیرا این مواد، در مقام ادبیات، نباید صرفاً نام برده شوند بلکه باید خواننده [و فهمیده] شوند. نیروی تاریخ‌های ادبی جدید در دهه‌های اخیر از کوشش‌های مختلف برای وارد کردن خوانش در فرایند تاریخی، خواه در حالت ادغام خواه در حالت گسست، نشئت می‌گیرد. در تاریخ ادبیات، بازنگری در مجموعه آثار معیار نقش تعیین‌کننده مخاطبان و آثار پیشین را به نقش تعیین‌کننده مواد پیوند می‌زند. مخاطبان انتظار دارند تاریخ‌نگار به مطالبی خاص پردازد، حال آنکه او سعی می‌کند با یافتن مواد تازه و پرداختن به آن‌ها از پیشینیان فاصله بگیرد.

از منظر تاریخیت، یکی از ویژگی‌های مهم تاریخ ادبیات این است که خود ابرژه یا موضوع آن تاریخی است. تفاوت میان تاریخ سیاسی و تاریخ دموکراسی، تاریخ اقتصادی و تاریخ سرمایه‌داری و به همین ترتیب تاریخ فرهنگی و تاریخ ادبیات را در نظر بگیرید. در دهه اخیر اذعان به این نکته اهمیت روزافزون یافته است که ادبیات و امر ادبی «تحقق‌یافتگی‌ها» یا «ثابت‌های» تاریخی نیستند بلکه خود «تحولات تاریخی» اند. معمولاً نیت از اذعان به این امر مقابله با آرمانی‌سازی ادبیات بوده است؛ تأثیر ناسازه‌وار [اذعان به این نکته] این است که به ادبیات، با در نظر گرفتن آن به منزله ابزار عاملیت تاریخی، نیرو می‌بخشد. این گرایش اخیر به خوانش ادبیات در بطن تاریخ برخلاف سنت فیلولوژیک چشم‌پوشی از تاریخ در خواندن ادبیات است که به شیوه‌های مختلف امکان پدید آمدن آثار کورتیوس^۲ و اسپیتزر^۳ و بسیاری از آثار فرمالیسم انگلیسی-امریکایی، از نقد نو تا منتقدان دانشگاه ییل^۴ را فراهم کرد.

این ملاحظات مقدماتی به انسجام آثار اخیر من در مقام تاریخ‌نگار ادبیات یاری رسانده‌اند. من در کتاب جدید تاریخ ادبیات امریکای کیمبریج^۵ بخش مربوط به روایت مشور میانه قرن نوزدهم را نوشتم. مخاطبان مد نظر من جهانی و عمومی بودند و همین امر باعث

1. *A New History of French Literature*
2. Ernst Robert Curtius
3. Leo Spitzer
4. the Yale critics
5. *Cambridge History of American Literature*

ایجاد برخی ضوابط سبک‌شناختی شد: پانویسی وجود ندارد و کاربرد اصطلاحات تخصصی حداقلی است. اینکه نوشتن بخشی با عنوان «روایت منثور» به من سپرده شد تا حدودی به دلیل کارهای پیشینم در حوزه تاریخ‌نگاری و داستان بود و باعث شد مطالبم را طوری انتخاب کنم که امکان تفاوت‌های مهم با گزارش‌های پیشین راجع به «هاتورن، ملویل و آلن‌پو»^۱ وجود داشته باشد. حین تعیین روند کارم، مهم‌ترین اثر پیشین *تاریخ ادبی آمریکا*^۲ (۱۹۴۸) بود که با استفاده از ضمیر اول شخص جمع، نویسنده، هنر و ملیت را توسط هویتی عاطفی با تاریخ‌نگار و مخاطب پیوند می‌دهد. حتی اثر به اصطلاح پسامدرن *تاریخ ادبیات آمریکای دانشگاه کلمبیا*^۳ (که تقریباً هم‌زمان با تاریخ کیمبریج شروع شد ولی زودتر به اتمام رسید) شیوه‌نگارشی مشابهی با *تاریخ ادبی آمریکا* و نسخه اولیه *تاریخ ادبیات آمریکای کیمبریج* (۱۹۱۷) دارد، یعنی فصل‌های بیست صفحه‌ای که عناوینشان طبق موضوع یا نام نویسندگان مشخص شده‌اند. من در اثرم کوشیدم از طریق فاصله‌گیری از مطالب شکل جدیدی به این حوزه بدهم. به طور کلی از چهار تمهید استفاده کردم: از کاربرد ضمیر اول شخص خودداری کردم؛ «ملت» و «ملیت» را به جای پیش‌فرض و هدف به منزله «مسئله» در نظر گرفتم؛ به جای «مؤلف»، «نظام ژانری» را به منزله واحد بنیادین فهم‌پذیری برگزیدم؛ و ظهور «امر ادبی» را به مثابه رویدادی در درون نظام ژانری در واکنش به مسائل خاص مربوط به ملیت بررسی کردم.

رویدادی که به تاریخ ادبی من درباره روایت منثور آمریکا در میانه قرن نوزدهم شکل داد ظهور آثاری (به ویژه *داغ‌نگ*^۴ [رمان ناتانیل یل هاتورن] و *موبی‌دیک*^۵ [رمان هرمان ملویل]) پیرامون سال ۱۸۵۰ بود که بسیاری مخاطبان در اواخر قرن بیستم هنوز آن‌ها را نمونه‌های واقعی ادبیات می‌دانند. دیگر روایت‌های منثور ارزشمند آن دوره، مانند *کلبه عمو تام*^۶، امروزه چندان مورد استقبال خوانندگان نیستند زیرا در هیچ مقوله یا طبقه‌بندی مفهومی مشخصی نمی‌گنجند. از همین رو، ما کوشیدیم در فصل ۱ تا ۳ کتاب تعریفی از ژانرهای رایج آن دوره ارائه دهیم تا بتوان ویژگی روایت‌های ادبی را بهتر درک کرد. مثلاً فصل چهارم به تحلیل ژانر [در آن زمان] جدید «روایت ادبی» و فصل پنجم به چالش‌های پیش روی این فرم

1. Nathaniel Hawthorne, Herman Melville & Edgar Alan Poe

2. *Literary History of the United States*

3. *Columbia Literary History of the United States*

4. *The Scarlet Letter*

5. *Moby-Dick*

6. *Uncle Tom's Cabin*

تازه می‌پردازد. هرچند روایت ادبی در دیدگاه‌های اواخر قرن بیستم در مورد [نثر] میانه قرن نوزدهم [امریکا] غالب است، آثاری [از آن دوره] که اکنون ارزشمند تلقی می‌شوند فوراً جایگاه واقعی خود را نیافتند و [حتی] خود ژانر روایت ادبی در جریان بحران شدید ملی «جنگ داخلی» تقریباً محو شد.

در اواخر قرن هجدهم، «ادبیات» به معنای هر نوشته‌ای بود که ارزش فرهنگی داشت، از جمله تاریخ، سفرنامه، فلسفه و علم، که اکنون با عنوان نوشتار غیر داستانی مشخص می‌شوند. اما امروز در اواخر قرن بیستم، به گواهی شمار بسیاری از کتابفروشی‌ها پذیرفته‌ترین معنای ادبیات «داستانی» است که در زمره ژانرهای تعریف‌شده بازاری (علمی-تخیلی، وسترن، جنایی، رمانس [عاشقانه] و غیره) ننگنجد. در امریکا، نثر میانه قرن نوزدهم فضایی تعیین‌کننده برای این تغییر بود، تغییری که به واسطه آن ادبیات به منزله امری ضدژانری و یک فضای تخیلی مجزا از زندگی عمومی تلقی شد. در نتیجه این تغییر، امروزه انتظار می‌رود فرهنگ ادبی و فرهنگ ملی فاصله بسیاری از هم داشته باشند. البته این برداشت به لحاظ تاریخی محدود، اغلب درک ارزش آثاری را که ارتباطاتی متفاوت با ملیت برقرار می‌کنند دشوار می‌نماید.

به هر روی، گونه‌ی روایی غالب مقدم بر «روایت ادبی» که پس از پیدایی آن هم به رشد خود ادامه داد «روایت ملی» بود. از موضع وجودی کنونی امریکا به‌عنوان اتحادیه‌ای مستقل، «روایت ملی» داستان‌خاستگاه‌های استعماری امریکا را نقل می‌کرد و به آینده‌اش در مقام الگویی برای جهان امید بسته بود. این «داستان» که هنوز هم در امریکا به قوت خود باقی است در زمان ریاست جمهوری آندرو جکسون^۱ (۱۸۲۸-۱۸۳۶) شکل و شیوه بیان کامل خود را یافت و با قوت و نیرویی مشابه از طریق ادبیات داستانی، به‌ویژه در آثار ادیبانی همچون جیمز فنیمور کوپر^۲ در آغاز دهه ۱۸۲۰ و در حوزه تاریخ به ویژه توسط [تاریخ‌نگارانی مانند] جرج بنکرافت^۳ در آغاز دهه ۱۸۳۰ بازگو شد. در ابتدای شکل‌گیری این [داستان]، «فرهنگ ملی» عملی‌ای وجود نداشت. روایت ملی بخشی از فرایندی بود که به ملت شکل می‌داد و صرفاً بازتاب واقعیتی تحقق‌یافته نبود؛ با این همه، زمینه مطرح شدن دیگر گونه‌های روایی اصلی را فراهم آورد.

دو گونه کوچک‌تر در ارتباط با روایت ملی شکوفا شدند و با آن رقابت کردند. نخستین گونه که در دهه ۱۸۳۰ پدیدار شد «روایت‌های محلی» بود. این‌ها معمولاً، به‌لحاظ

1. Andrew Jackson

2. James Fenimore Cooper

3. George Bancroft

پوشش گستره جغرافیایی یا میزان تجربه انسانی، از روایت ملی محدودترند. از جمله روایت‌های محلی که از الگوی یادداشت‌های واشینگتن ایروینگ^۱ درباره نیویورک پیروی می‌کردند «طنزنویسان جنوبی» مناطق جورجیا، آلاباما، می‌سی‌سی‌پی و تنسی؛ داستان‌های شمالی ناتانیل هاتورن؛ و آثار ادگار آلن پوهستند که آغازگر تعریف «شهر» به منزله یک صحنه آمریکایی جدید بودند. در دهه ۱۸۴۰، دومین گونه یعنی «روایت‌های شخصی» در کانون توجه قرار گرفت. این آثار به جای تمرکز بر کلیت یک ملت، مسائل و تجربه‌های شخصی را برجسته می‌کنند و معمولاً راوی اول شخص مفرد دارند. با این حال، برخلاف سنت پاک‌دینی^۲ و انتظارات قرن بیستمی، «من» نویسنده گزارشگری برون‌گراست که به جای کاوش درونی وقایع را از حاشیه‌های فرهنگ غالب روایت می‌کند. این فرم شامل آثار سیاحانی همچون هرمان ملویل، ریچارد هنری دانا^۳ (دو سال روی عرشه^۴) و فرانسیس پارک‌من^۵ (کوره‌راه ارگان^۶) و نیز نوشته‌های بردگان فراری مانند فردریک داگلاس^۷ و هرییت جیکوبز^۸ است.

روایت ادبی هم‌زمان با بحران سیاسی در خصوص برده‌داری در سال ۱۸۵۰ پدیدار شد، بحرانی که ادامه حیات ملت را تهدید می‌کرد و باعث ایجاد سازشی به منظور فرو نشانیدن مشاجرات شد. در همین ایام، ملویل و هاتورن به شیوه‌ای تازه بر برخی از عناصر آثار پیشین خود و آلن پو تأکید کردند و از روایت ملی فاصله گرفتند. مقدمه «اداره گمرک»^۹ بر داغ‌تنگ این فاصله‌گیری از دغدغه‌های ملی را نشان می‌دهد. در تقابل با روایت ملی و همچنین روایت‌های محلی و شخصی (که توأماً به دغدغه‌های زندگی عمومی می‌پردازند و آن‌ها را بازتاب می‌دهند)، روایت ادبی داغ‌تنگ به منظور خلق آزادانه فضایی خیالی مسیر تازه‌ای را در پیش می‌گیرد. این تحول منحصر به روایت ادبی آمریکا نبود. از اواخر قرن هجدهم نویسندگان رمانتیک انگلیسی و آلمانی از جایگاه مهم نوشتار فاخر در فرهنگ سخن‌ها گفته بودند. مفاهیمی همچون «اصالت»، «نبوغ» و «تخیل» ادبیات را مجزا و مستقل از دنیای معمول تعریف می‌کردند و انگاره‌های «روان‌شناسی» و «تکوین» نیز کانون‌های توجه و شکردهای جدیدی را معرفی کردند.

1. Washington Irving
2. Puritan
3. Richard Henry Dana
4. *Two Years before the Mast*
5. Francis Parkman (*The Oregon Trail*)
6. *The Oregon Trail*
7. Frederick Douglass
8. Harriet Jacobs
9. The "Custom-House" introduction

در امریکا نیز اوضاع مانند سایر کشورها بود: چنین آثاری چه به‌مدد مبالغه‌های آلن‌پو، تمثیل‌های ملویل یا کنایه‌های هاتورن نه تنها با دنیای زندگی عادی متفاوت بودند بلکه از آن فراتر رفته، تلویحاً آن را در بوته نقد گذاشتند. اما قدرت انتقادی آن‌ها وابسته به محدودیتشان به مخاطبان نخبه، موضوعات اسرارآمیز و شیوه بیان غیر مستقیمشان بود. این لحظه تاریخی که در آن نویسنده «ادبی» به‌منزله «هنرمند» بازتعریف شد نقطه آغاز بحرانی در رابطه روایت با مخاطبان آن است، چرا که از آن هنگام این تصور پدید آمد که ارزش اولیه اثر هنرمند در رابطه خصوصی آن با خویشان نویسنده نهفته است.

این پیرنگ تاریخ [ادبیات] من است. یکی از تأثیرات آن انگیزش بحث بسیار مفصل‌تر از آنچه در تاریخ‌های ادبی پیشین آمده است در باب برخی آثار در حکم نمونه‌های ژانری اولیه است. به هر روی من فصل پنجم این اثر را که عنوانش «بحران روایت ادبی و قوام روایت ملی» است بزرگ‌ترین نوآوری آن می‌دانم. این فصل از پی‌بررسی‌های مفصل داغ‌نگ (۱۸۵۰) و موبی‌دیک (۱۸۵۱) در پایان فصل چهارم - «روایت ادبی» - می‌آید. فصل پنجم با بخش «روایت ملی در سال ۱۸۵۱» آغاز می‌شود که شامل بحث‌های مفصل درباره توطئه پونتیاک^۱ نوشته پارک من و کلبه عمو تام است. بخش بعدی با عنوان «پژواک‌های عمو تام» به بحث درباره تأثیر کتاب هریت بیچر استو^۲ در سراسر این نظام ژانری می‌پردازد: از روایت‌های شخصی همچون اسارت و آزادی من^۳ نوشته داگلاس و وقایع زندگی یک دختر برده^۴ نوشته جیکوبز، تا روایت‌های محلی مانند «زندگی در کارخانه‌های آهن»^۵ نوشته ربه‌کا هاردینگ دیویس^۶ و روایت‌های ادبی مانند پی‌یر^۷ نوشته ملویل.

این توالی پیوسته در این دو فصل که کلاً شامل حدود بیست هزار کلمه است آثاری را که به باور من در سرتاسر تاریخ فرهنگ امریکا - به دلیل آنچه تفاوت‌های فاحش ارزش‌های ژانری و معیاری آن‌ها به نظر می‌رسید - از هم جدا شده‌اند در یک سطح گفتمانی واحد و یک چارچوب استدلالی واحد با میزان‌های برابری از توجه و جزئیات. قرار می‌دهد. ممکن است برخی خوانندگان به من خرده بگیرند که بی‌شرمانه شاهکارهای ادبی را با آثار تاریخی در هم

1. *Conspiracy of Pontiac*
2. Harriet Beecher Stowe
3. *My Bondage and My Freedom*
4. *Incidents in the Life of a Slave Girl*
5. "Life in the Iron Mills"
6. Rebecca Harding Davis
7. *Pierre*

آمیخته‌ام، یا ممکن است مرا به همگون‌سازی متونی که ارزش‌های سیاسی متفاوتی دارند متهم کنند. هنگامی که بخش‌هایی از این بحث را در درس گفتارها و همایش‌ها ایراد کرده‌ام، خوانندگان متمایل به زیباشناسی احساس کرده‌اند از ملیت و ملی‌گرایی طرف‌داری می‌کنم و آنان که بر سیاست متمرکزند حس کرده‌اند هوادار ادبیتم. واکنش‌های آن‌ها مرا به این امیدوار می‌کنند که توانسته‌ام از طریق این ناآرامی فاصله‌ای تاریخی از این مقوله‌ها ایجاد کنم که می‌تواند گزینه‌های ممکن‌تری برای لحظه کنونی ما به ارمغان آورد.